

تحریم انتخابات دوره هفتم مجلس اسلامی خواست عموم مردم است

انتخابات دوره هفتم مجلس اسلامی به زودی فرامی رسد. ترس روزافزون رژیم بویژه جناح تمامیت خواه از مردم، کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، زنان، جوانان و عموم خلقهای ایران بهترین دلیل ماهیت ضد مردمی او، دروغین بودن اصلاحات او و پوچی وعده های اوست.

وقتی شروط انتخاب شوندگان، اعتقاد و التزام به اسلام، قانون اساسی، اصل ولایت مطلقه فقیه و مرجع تشخیص نامزدها نهاد کبک زده ای بنام شورای نگهبان باشد، دیگر سخن از انتخابات آزاد حرف مفتی است و از پیش روشن است که چه کسانی و با چه ماهیتی در این مضحکه شرکت خواهند جست و بدنبال تحقق کدام اهداف اجتماعی اند. آنچه در اینجا مدنظر کاندیداها نیست مطالبات سوزان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم و تلاش در جهت تحقق آرزوهایی است که بیش از دوده به خشن ترین وجهی از سوی جمیع مسلمین حاکم پایمال شده و آنجا که توده های عظیم و محروم مردم در شرایط فقدان یک آترناتیو مطلوب و متریقی ناچار شدند به کسانی رای دهند که با پرچم باصطلاح اصلاحات و وعده حقوق مدنی و دموکراتیک به میدان آمده بودند، دیری نیاید که ماهیت این کلاهبرداران و بزذلان سیاسی نزد آنها (مردم) آشکار شد و در عمل پی بردند که تحقق خواسته های آنها در سرشت افرادی نظیر خاتمی ها نیست و نخواهد بود باید چاره دیگری اندیشید. مردم به عینه دیدند که چگونه طرح لایحه مطبوعات چند لحظه قبل از رای گیری در مجلس ششم بایک نامه چندخطی و با اشاره انگشت ولی فقیه متوقف شد و از این منادیان اصلاحات دموکراتیک که از پشتوانه رای ملیونی مردم برخوردار بودند صدایی برنخاست و به تمکین ارتجاع گردن نهادند و آرامش فعال را به مردم توصیه کردند. اما، مردم قدم به قدم و با تجربه شخصی خود پی به ماهیت نمایندگان قلبی اصلاحات بردند و به این نتیجه رسیدند که از امامزاده اصلاحات دوم خرداد معجزه ای ساخته نیست و در همین بستر با عدم شرکت خود در انتخابات شوراهای شهر تودهنی بزرگی به همه جناحهای رژیم زدند. شرکت ضعیف مردم در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در سال ۸۰ نیز مبین شناخت توده ها از جناحهای رژیم و فروپاشی توهم به امکان تحولات دموکراتیک در چهارچوب نظام اسلامی است و اکنون نیز با توجه به این تجربیات گرانهای دوره اخیر مصمم اند تا با عدم شرکت خود در انتخابات دوره هفتم مجلس اسلامی بار دیگر عدم مشروعیت رژیم و ماهیت ارتجاعی و ضد دموکراتیک مضحکه انتخابات را برملا کنند. فضای عمومی جامعه و روحیه مردم در چنین مسیری روان است.

جنگال ردصلاحیت کاندیدا های انتخاباتی

روز یکشنبه هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان عدم صلاحیت بیش از ۶۰ درصد از کاندیداها را که اکثرا از جناح دوم خرداد بودند با عناوینی نظیر حمایت از متجاهرین به فسق، ساواکی ها و وابستگان به رژیم طاغوت، کلاهبرداران و معتادان، مخالفین اسلام، قانون اساسی و ولایت فقیه... اعلان داشت. رد صلاحیت شمار وسیعی از نامزد های انتخاباتی از سوی شورای نگهبان که به منظوریک دست کردن مجلس صورت گرفته، مجلسی که حتا با حضور و اکثریت همین افراد حذف شده هیچ کارایی و رسالتی جز تحمیق و سرکوب مردم نداشته و ندارد، مبین ماهیت آدمخوار و ارتجاعی این نظام است که به خودیها رحم نمیکنند چه رسد به نمایندگان واقعی مردم.

وقتی پیمان اتمی به رهبری جناح حاکم به اجرا درآمد، وقتی مذاکرات محرمانه و از سرگیری مناسبات با امپریالیسم آمریکا و همکاری با شیطان بزرگ بر سر عراق و کل منطقه مشغله بقای کل رژیم شد و این امر نیز در انحصار جناح تمامیت خواه قرار گرفت و سرانجام آنجا که دیگر ضرورت یکدست شدن حاکمیت برای تشدید سرکوب مردم مبرم تر از هر زمان محسوس گردید، حذف جناح دوم خرداد در مجلس و به حد اقل رساندن نقش آنها در صحنه سیاسی شتاب بیشتری یافت و این امر با توجه به تاریخچه منازعات جناحها قابل پیش بینی بوده است.

اکنون که دوم خردادها در محاصره قرار گرفتند بار دیگر به مردم روی آوردند و از توده ها می طلبند تا بیاری آنها بشتابند. این جماعت بزذل و مرتجع که به کرسی های مجلس تکیه زدند می خواهند مردم را بخاطر منافع طبقاتی خودگوشتم دم توپ کنند و آنچه مورد نظرشان نیست توده ها و منافع آنهاست. متحصنین در مجلس پس از حذف کاندیداتوری خود به مبارزه روی آوردند، مبارزه نه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و یا پرداختن حقوق معوقه کارگران و جلوگیری از خصوصی سازی کارخانه جات و

بیکارکردن کارگران و..... بلکه مبارزه فقط برای منافع خود و بس.

اکنون کل رژیم دچار بحران گردید، بحرانی که تبلور تناقضات مناسبات سرمایه داری با رو بنای پوسیده مذهبی و استبداد قرون وسطایی است. انتقاد خاتمی از شورای نگهبان، سکوت رهبر بر خورد دیپلماتیک رفسنجانی، انعکاس گسترده این اختلافات در رسانه ها و مطبوعات خارجی، تقاضای اتحادیه اروپا از جناح حاکم برای تجدیدنظر از تصمیم اتخاذ شده..... سرانجام با دخالت رهبر و عفو ملوکانه و از طرفی بالا بردن اوتوریت او، صلاحیت بخشی از مردود شدگان مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت تا پیش از این مشروعیت انتخابات دموکراتیک جمهوری اسلامی زیر علامت سؤال نرود. آزمون به مردم خواهند گفت حق انتخاب دارید می توانید به ما و یا مخالفین ما یعنی اصلاح طلبان رای دهید. رای دادن یک وظیفه شرعی است و هر اندازه تعداد شرکت کنندگان بیشتر مشروعیت نظام جمهوری اسلامی نیز بیشتر! پس به پیش برای شرکت در انتخابات!

و اما مردم در شرایط کنونی نباید تنها نظاره گر اوضاع باشند و خانه نشینی پیشه کنند، بلکه علاوه بر تحریم انتخابات باید به اشکال مختلف از جمله با شعارنویسی علیه کل جناحها، آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، حمایت از مبارزه کارگران برای دریافت حقوق معوقه، حق تشکل، مخالفت با خصوصی سازی و بیکارسازی کارگران، افشای خائنه پیمان اتمی و زد و بند با امپریالیستها، آزادی قلم، بیان و عقیده، لغو فوری حکم اعدام افسانه نوری و کبرا رحمان پور و محاکمه قاضی مرتضوی.... از بحران موجود سود جویند و فعال عمل نمایند.

رژیم در انزوا بسر می برد و از تحریم وسیع انتخابات فرمایشی می هراسد. باید این مضحکه انصابتی را به خلوتگاه مردگان جمهوری اسلامی تبدیل کنیم و با تحریم آن به کلیت رژیم، به استبداد و خفقان، فقر وسیه روزی و به مشتی انگل و آدمکش و بی وجدان و شارلاتان سیاسی که خون مردم را در شیشه کرده اند و به غارت و دست رنج زحمتکشان و ثروت طبیعی کشور مشغولند،

نه بگوئیم.

تحریم فعال و گسترده انتخابات یک گام مردم را به جلو خواهد راند و اوضاع رژیم را بحرانی تر خواهد نمود. نخستین گام برای رهایی از این شرایط جهنمی بر انداختن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است. شرط پیروزی قطعی بر ارتجاع و استقرار آزادی، تحولات عمیق دموکراتیک، عدالت اجتماعی، سعادت و خوشبختی برای کارگران، زحمتکشان و عموم توده های تحت ستم حضور نیرومند حزب طبقه کارگر، حزب واحد مارکسیستی-لنینیستی در صحنه نبرد و کسب قدرت سیاسی است. بدون داشتن چنین دورنمایی و تلاش خسته گی ناپذیر در جهت تحقق این امر، انقلاب آتی همچون سایر انقلابات معاصر ایران نیز با شکست مواجه خواهد شد.. راه دیگری جز حزبیت و تشکل واحد انقلابی طبقه کارگر متصور نیست.

با تحریم انتخابات به فقر و فلاکت و خفقان نه بگوئیم!

با تحریم انتخابات آزادی و عدالت اجتماعی را فریاد زنیم!

با تحریم انتخابات سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی را صدا دهیم!

حزب کارایران (توفان)

۲۳ دی ۱۳۸۲

www.toufan.org